



# روزنامه سیاسی کشور شاهنشاهی ایران

حامل، متن فواین - تصویب‌نامه‌ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی - مذاکرات مجلس سنای اخبار رسمی - فرمانی - انتصابات - آئین‌نامه‌ها - بخششانه‌ها - آگهی‌ای رسمی و قانونی سوالات

۵ شنبه ۳۰ مهرماه ۱۳۲۹

روزنامه‌یوتیه

میر: سید محمد شاه

سال ششم - شماره ۱۶۴۵

صفحه ۱

شماره مسلسل ۶۶

دوره شانزدهم قانونگذاری

در این کمیسیون تصویب می‌شد برای معامله تباکو  
هم در این کمیسیون مطرح شده و تصویب گردید و  
آفای شعاعی معاون وزارت دارائی هم با کمال  
بو طرفی حد اکثر وقت را در انجام این معامله  
کرده است.

**رئيس** — اصلاح می‌شود. آفای که بد  
بلرماید.

**کهبد** — در صورت جلسه روز یزدنشبه که بنده  
سؤالاتی تقديم کردم راجع به معامله تباکو البته بنده  
آنچه را صلاح ممنکت بود بنظر خودم سؤال کردم  
و استاد و مدار کی هم در این مورد دارم که البته  
قضاؤتش برجهده آفایان و هنوند کان خواهد بود و  
در ضمن توضیحی که بنده هر ض می‌کردم در صورت  
جلسه یکی از نمایندگان محترم بنده این جمله را  
فرمودند که حالا آفای کهبد را هم شرکت بدهید  
معامله صحیح می‌شود و خواستم بنده باین جمله‌ی که  
ایشان فرمودند، اعتراض کرده باشم و صراحت هر ض  
حکنم که بنده بهبود من الوجود نه در منافعه های  
دولتی نه در سایر جاهای شرکت نکرده‌ام و نمی‌کنم و  
حتی بازلام و صبت کردم ام دولت اگر خواست طلا  
بدهد و نقره عوضش بگیرد. معامله نکند، بنا بر این  
بنده هیچ معامله‌ی هیچ‌وقت با دولت نکرده‌ام  
این را خواستم هر ض حکنم امروز، موقع طرح  
سوالام بنده مطالب را هر شخواهم کرد (احسنست).

**رئيس** — آفای از دلان راجع بصورت جلسه  
است بفرمائید.

**اردلان** — در هر اتفاقی که در جلسه گذشته بنده  
کردم باینکه دفع شده است چند تأثیرات شده است  
را احراز مقام ریاست تصویبی می‌نمم که اصلاح بشود  
در صورت جلسه نوشته شده است له سال گذشته ماجه از  
میلیون و ارداد داشتم، در سوی توکله بنده عرض  
کرد جمله می‌لوی ایم و ارادت داشتم، ارادت داشتم  
است در صورت جلسه نوشته شده است اکنون

# مذاکرات مجلس شورای ملی

جلد ۶۶

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز پنجشنبه ۱۴ مهرماه ۱۳۲۹

فهرست مطالب:

۱ — تصویب صورت مجلس

۲ — ورود در دستور و طرح استیضاح آفای مکی

۳ — موقع و دستور جلسه آینده - ختم جلسه

نحوه

مجلس دو ساعت و بیست دقیقه قبل از ظهر برای است آفای رضا حکمت تشکیل شد.

**رئيس** — صورت اسامی فائیین جلسه قبل فرادری شود.  
فرادری، مهدی ارباب، تیمور تاش، آشتیانی زاده  
دکتر کیان، امیری فراگوزلو، مدل، نقا‌الاسلامی،  
سودآور، هراتی، کهبد، سلطانی، دکتر مصدق، دکتر  
برال، دکتر طباطبائی، معین‌زاده

غایبین بی‌اجازه - آفایان، بهادری، آصف،

فتحعلی افشار، دکتر راجی، طباطبائی، معین‌زاده

غایبین بی‌اجازه - آفایان، محمود معودی، صفوي

هزین‌اظم زنگنه، سalar سمنجی، برومند، امینی،

حسن اکبر، افیال، شهاب خسروانی، فرشی، سعید

مهدوی، عاد تربیتی، محسن طاهری، حافظی، فضنفری

کوراولی، بوی، بیراسته، محمد‌والقاری، امیر افشاری

دکتر شایگان، هوارم‌سعودی، دکتر مصباح‌زاده

دیر آمد کیان بی‌اجازه - آفایان، حسین خاکیان،

موسی، اسلامی، منصف، مسکن صالح‌جمع، دکتر

مصطفی، اسلامی، دکتر جلال،

دیر آمد کیان بی‌اجازه - آفایان، شکرانی، مکرم

محمدعلی، مسعودی، خسروانی، بودابافیان، نواب

زندگانی، شکرانی، نواب

\* هیئت مذاکرات مشروح شدت و ششین جلسه از دوره شانزدهم قانونگذاری

\* اداره تندیسی و تحریر صورت مجلس

هزینه زندگی را در سال ۱۳۱۹ می‌گیرید، در صورتیکه بندم بی احتیاج نکردم و چنین چیزی نشده‌اند، یعنی سوالی را فلا دارم طرح می‌کنم، خواهش می‌کنم کزدتر جواب این موضوع را بدست آینه انتظامی بسته باشند گفتم اینجا نیز ونه آن موضوع مصالحه‌ای است که مخبرین جرائد امامی اهتماب شده است و سطر آخرش همه جا درست نوشته شده است. بندم هر ض کردم بدتر شده و ضمیم، اینجا نوشته خده است که اینجا نوشته شده، این سطر آخر اینجا خواهش می‌کنم اصلاح بفرمائید.

**رئیس**- اصلاح می‌شود. آقای شوشتري بفرمائید **شوشتري**- هر ض بندم فقط یک نفعه است آنهم راجع بجهه ۶۴، فرمایشات جناب آقای دیپلم که به بندم فرمودند آقای شوشتري در اصل موضوع صحبت نکنید در اینجا نکنید نوشته شده دولتها میخندند، نوشته اند که فلاں گفت مجلس بریش دولت میخندند، از این قبیل زیاد است.

**رئیس**- خوب باید اینها بخود تند نویسها

ندکر داد که اصلاح بکنند آقای نورالدین امامی

**نور الدین امامی**- هر ض کنم که اگر بنا

شود که ما بخواهیم هرسورت جلسه را تصویب کنیم

اغلط صورت جلسه را بگیریم باید مجلس را از

اول تجدیدبکنیم تا این اغلاق و گفته ها درست شود

در جلسه گذشته فرمودید که ماشین ضبط صورت خواهیم

گذاشت برای اینکه آقایان تندنویسها چند دفعه در

خارج آنرا تکرار کند و کلام را اصلاح کنند با

اینکه جلسه گذشته این ضبط صوت شده است باز هم

می‌پنیم که غلط تراز جلسه پیش در آمد است هر

چند سطر که بندم در جلسه گذشته صفت کردم می

بینیم یک جمله از چیزهایی که بندم گفتم این جایست.

**آزاد**- دستور استیضاح است.

**رئیس**- دستور امروز استیضاح از آقای وزیر

دادگستری است.

**اردلان**- آقای رئیس انتخاب ۱۸ نفر دو دویله

طول دارد.

**کشاورز صدر**- بگذرید قبل از دستور

حرف بزنند.

**آزاد**- آقای رئیس تکلیف نفعهای قبل از

دستور را معلوم بفرمائید.

**رئیس**- سه نفر از آقایان تقاضای نطق قبل

از دستور کردند اگر آقایان موافقت بدانند برای

بعد از دستور.

**کشاورز صدر**- الزامی است، مگر

اینکه خود چنانچه بفرمائید جله دیگر، من قبول

می‌کنم.

**رئیس**- الزامی که بحث.

**کشاورز صدر**- پس بفرمائید برای جله

دیگر محفوظ بماند.

**رئیس**- این ترتیب را هم نباید کرد،

برای اینکه تویت هرجانه برای همان جلسه است

رأی می‌گیریم بروز در دستور، آقایانی که موافقتند

فیلم بفرمائند (اکنتر برخاستند) تصویب شد.

**آزاد**- بندم مخالف بادستور

**یکی از نمایندگان**- پس باشند.

**مخبر فرهمند**- باید اول جلسه ۱۸ نفر

انتخاب بشود.

**رئیس**- اول جلسه بعد.

**امامی اهری**- این انتخاب ۱۸ نفر در

دستور گذشته شده بدان انتخاب که بیرون در دستور بود

**مخبر فرهمند**- جزو دستور امروز است

با خبرم؟

**رئیس**- هم استیضاح جزو دستور است، هم

انتخاب کمیسیون آقای مکنی ماده ۲۰۱ و ۲۰۲ آینه

نماینده هستم، اینجا نوجوان موقع نامه است، راجع به

(ماشی) فرانش شد.

ماده ۲۰۱ موقع نامه است، راجع به

باشد اینجا مخصوص همان همایه ای اینجا اداره

شده است که اینجا نوشته است که قابل استفاده

در اینجا نوشته است که قابل استفاده</

یک قاضی که بعواید برخلاف امر صریح و تکمیل ولار دادگستری برخلاف وجود و شرافت یک رانی نهد (فرامرزی) خودش هم در خارج برخلاف شرافت بند و بست میکنند خاک برسر آن دادگستری که بتواند قاضی این کار را بکند (صحیح است) اگر خودش میخواست بهمان ترتیب میتوانست مناقص را تأمین کند و اگر اهل بند بست بود با وزیر که زودتر حل میشود حالا یک موضع دیگر را بند قطع یادآوری میکنیم همچنان آفایان روزنامه اطلاعات ۳۰ شهریور را ملاحظه فرموده اید که یک پیغامشنه آفایان روزنامه اطلاعات کلام برداری عجیبی در تهران شده است لابدخوانده اید آفای شوشتاری شما که از کلمات و جزئیات این قضیه استحضار دارید چرا اغراض میکنید شما را وکیل کرده اند که اغراض نکنید این یک کلام برداری است که شصت و چند فقره کلام برداری گردیده است در محاکم ایران (یکنفر از نایندگان) کیست قربان (بنده وارد چهارمین شهريور روزنامه اطلاعات این را بدید شماره ۴۰ شهريور نمیشون خود آفای شوشتاری میدانند خدمت آفای شوشتاری روزنامه اطلاعات امسال ۶۰ فقره برونده دردادره آگاهی و در یک کسی ۵۰ دوایر پار که بدلایت تهران داشته و بواسطه نفوذاین آفای بودزی تاحالا نتوانسته اند باو بگویند بالای چهشت ابرو است (آزاد شاید منصور رمال است؟) اگر امشی را بپرسیم ممکن است یک طلبی بکند من سنک بشوم نیدانم از روزی که ایشان دردادره نظارت بودند معافون و زارت دادگستری شدند تاحالا که وزیر شده اند (ناصر ذوالقاری) به وزیر دادگستری چه مربوط است (ایشان نمیکنارند آفای شوشتاری میدانند آفای بودزی میروند زانوی او را میپرسند) آزاد خانه امر کز فساد و فحشاست آقا هر روز هر زیگی میکنند فامیل آفای بودزی است از احتمایت میکنند خانه اش هم خانه آفای بودزی است (یکنفر زنایندگان) خانه اش هم خانه آفای بودزی است؟ بلی بلی (کشاورز صدر خود شمادیدید) کنافتکاری کرده است (خنده نایندگان) آزاد هزار قسم دزدی و کلام برداری کرده است (قطعه آفایان در جراید ملاحظه فرموده اید که آفای اشرف احمدی رئیس یکی از دادگاههای استیناف بود ایشان را بخوزستان اخراج منتقل کرده اند شاید در بادی امر کر بشود که این انتقال ساده بوده است ولی در پشت پرده این انتقال یعنی برونده چند میلیونی خواهد بود برونده یعنی مریوط بکاظم ملک و اداره تصفیه وزارت دارایی دو مرتبه تجدید وقت شده بود یاسه مرتبه دوسه روزو قبیل از جلسه نهائیش که بایستی معا کمه آغاز بشود ابلاغ آفای اشرف احمدی میدهند و با یک درجه ترتفع ایشان را به خوزستان اعزام میکنند همه آفایان نایندگان محترم در دوره ۴۰ همه کجه هر ض کنم ولی یک اکثریت قریب باتفاقی نسبت به برونده فاقح خوزستان دریافت میشود برونده های از دادگستری شدند بجهات این سوال می کنم از این دستگاه ادادگستری چنان آفای بودزی که این یا وابد دوچه مرحله ای است (اسلامی) زیرا سرشیخ هیدالملک اطمین بود که شب دزدیدند

آخرین حکم به ۴۳ ماه مسکونی میکنند که مینویسد شنبه ۸ هیأت حاکم : آفای مرتضی ویشکانی آفای ذمه بزوهشخواه ، دادرس ای شهرستان بزوهشخواهند محمد ۵۰ ساله شهر فخری زندانی دادنامه شماره ۸۹۶ دادگاه جنجه شبهه موضوع رسیدگی : دادنامه دادگاه جنجه تهران ، تاریخ اعلام : ۱۳۷۸/۸/۲۱ تاریخ شکایت دادرس ای تهران ۱۵۰۸/۱۲/۱۳ تاریخ رسیدگی ۱۲۰۳ که از گزارش کار محضر فخری با تهاب اساده ادب بینندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی مورد تعقب دادستان شهرستان مرکز واقع میشود (شوشتاری - حکم را کی داده ؟) خوانند دیگر . و وقتی که ادعای اینه صادر میشود رئیس دادگاه چه کار میتوانست بکند جز اینکه خودش را گرفتار پلیس آزمان بکند تایینکه در زندان با آمیل هوا و با سکته قلبی در گزند خوشبختانه در این مجلس هدفی هستند که اینها در دادگستری سالها قضاوت کرده اند و عده ای دیگر هم که سابقه قضائی ندارند طرز محاکمه و مجازات قضات را مبدانند که از پنهان مجرای است . اگر قاضی مختلف بفرستند و ادعای اینه صادر کنند و بفرستند تا مجازات شود (آزاد - اداره نظارت) از اداره نظارت بمحکمه انتظامی واگر قاضی در کارخودش تملک کرد بادرای شرکت نکرد یا کرد ، وزیر دادگستری صلاحیت اینش انداده که با اینه خودش بخواهد آفای دکتر معظمی که برو فلان حکم را اهدا کن این سند بدینه ملت ایرانست . سند محکومیت دستگاه قضائی است . میخواهم : آفای محسن محمودی کارمند اصلی دادگاه تجدیدنظر املاک و اگذاری آفای دکتر

گزارش آفای ابوالفتوح باینکه در بعضی از بروندها رسیدگی که در رای اینکه در بعضاً از بروندها خودداری کرده اید لازم است فوراً آراء منبور را امضا نماید . ضمناً متذکر میشود که راجع بانتقال شاهم یس از انجام کاری که فوغاً اشاره شده اندام لازم بعمل خواهد آمد و وزیر دادگستری محمد علی بودزی جواب میدهد این شخص ۰ آفای بههانی بفرمایند اشکالی ندارد . گفتم اگر میفرمایند اشکالی ندارد بند میگویم که باید اداره نظارت بفرستد به محکمه انتظامی برایش ادعای اینه صادر شود . اینرا بعث گفتند که حکم مخصوصی است اگر امضا کردی فلان شغل را که خواستی بشما میدهم ، اگر نه یدرت را درمی آوریم ضمناً متذکر میشود که راجع بانتقال شما یس از انجام کاری که فوغاً اشاره شده اندام لازم بعمل خواهد آمد اگر این هم ساختگی است بفرمائید تاهرض کنم هست یا نیست ؟ و زارت داد . گستری ۰۰ (اردلان - نازیهش کی بوده) تاریخش فریان ۱۰ اردی ۲۹ میلایش است دیگر بلی ؟ آفای بودزی هم ایشانست لا بد هر یاست . این بدهند عذر بدتر از گناه است (آزاد این جرم است) وزارت دادگستری عطف برقمه .

در برونده هایی که اینجا بسیب رسیدگی و شرکت داد رأی نموده اند از اعفاء آراء میگردند آنهم

بسوزند و کوس خرابی و فساد دستگاههای اداری را در بازارهای جهان نمیکنند اگر آفای وزدادگستری باشاره این و آن قاضی را موصی نمیکند تبعید میکنند از همه مردم آزادی مسکن و محل اقامت افراد است که متساقنه امروز بمناسبت هدم توجه دادگستری این آزادی در هر دقیقه میتواند از طرف مامورین نفس و شکسته شود . چنانکه اخیراً در یکی از روزنامه ها نوشته شده بود که ۸ نفر از گوشش مملکت بر نیخواست ولی حقیقت قضیه ای است که اصلاً آفای بودی را بدین منظور و زدادگستری کردند که بقضیه مقاید و آراء خودش تعمیل کند و معاوکم را بایل و اراده خویش پرچرخ و با یک تلقون ناچار راحق یا بکس عق را بصور تیکه بعکم قرآن کرایم لاتخلوا بیوتاً غیر یوتکم الا بازن اهلها

و بقول یکی از حقوق دانان خانه افراد قلمه آنها است . هیچکس آزادی را احسان نخواهد کرد مگر وقتیکه بداند خانه او برای بیگانه غیر قابل نفوذ است . یک حقوق دان انگلیسی میگوید خانه هریک از ساکنین جزیره انگلستان در حقیقت قلعه غیر قابل نفوذی است ولی نه برای ایشکه دیوارهای بلند و خندنهای هیچ هریک از آنها را احاطه کرده باشد هر یک از این خانه ها با یک کله چوبی و یک اطاق حصیری فرقی ندارند یک باد ساده کافی است که آنرا واژگون کند . یک باران کوتاه میتواند در داخل خانه راه بیدا کند ولی امیراطور نسبتاً وسیع میگوید هاول باش بقیه خود سری است . یکی از معاصرین او قیمه دارد برای رسیدن باختخارات چنگ و فتح صریحتی ندارد این کفایت میکند که حکومت بهل و انصاف گراید .

بشر تا بخاطر دارد همیشه روای قانون و آزادی را در سر برورانده و همواره اصل زور و ظلم را باطن و نفترت از خود میرانده است اگر روزی بیان های میتوانند با مسلط قوى بر ضعیف دنیا را اداره کنند و حکومت فشار و شلاق را بر مردم تحمیل نمایند امر ورزگمان میکنم هیچ یک از آفایان طرفدار این تعقیبه نباشدند و خوب تشخیص میدهید که بعران امر ورزی مملکت مانه بعران سیاسی است به بعران اتفاقی است بلکه بعران عده امرای قانون و بدون عدالت است آفایان میباشد کان همین قانون تعقیبه که مدنی است از اذهان و افکار مردمان میگذرد از آن متعتم میشوند از آن تعریض میشون بینند ما هنوز در حکشور خود موفق شدمه ایم درینه این دادگستری که اینجنبان و زیر در رأس آن قرار دارد از حقوق مقدماتی و حقوقی که مردمان زنگبار و جگونه خواهد توانت هر ض و فامبل و کسب و کار خود و اموال و حتی مذهب خویش را از نشده ایم درینه این دادگستری که اینجنبان و زیر در رأس آن قرار دارد از آن متعتم میشوند از آن برخوردار باشیم . این حقوق در مرحله اول آزادی وجود سرانه از باب قلم و با این عمل توهین آوری که دادگستری میگیرد شهربانی شده و آلت دست یلپس فرار گرفته هیچکس در ایران نمیتواند ادعا کند که درینه قانون آزادی نکر و تعقیبه اوتفهم است ایران لینکلن میگیرد ، در مملکتی که دولت نباشد میتوان زندگی ازد و ای در کشوریکه آزادی مطبوعات نباشد نمیشود زندگی ازد دوین آزادی مقدماتی آزادی افمات است که نون اساسی ای این آن امعتم شده و هیچکس نون این استثنائی محتاج بجهدید که نرخشک با هم

حکمرانیه است اول نوشتہ‌اند که نزود در روز دوم نوشته اند  
برود و روز سوم نوشته‌اند نزود و روز جهارم بالاخره  
نوشته شده بروود این است وضع آنچه این چهارنامه  
تماماً مارک شهریانی و دادگستری را دارد بالاخره  
رئیس شهریانی طبق نامه شماره ۱۱۸۲۶ به وزیر  
دادگستری نوشته این چه مسخره بازی است که  
شهر تهران است اما راجع بتوقیف جراید اوایلی  
که آفای رزم آرا سرکار آمدند همه جراید که نمی‌  
توانستند مدیده سرای دولت باشند و مدد و تنای دولت  
را بگویند بعضی ها طبق معمول زمان انقلاب کردند  
در ظرف یکماده و چند روز متباوز از زنجاه و چند  
روزنامه در تهران توقيف، شد و توقیف این جراید  
هم کافی بود که یک تلفن بگفتند که فلان روزنامه‌را  
بینندید دلیل و سند و مدرکی هم لازم نداشت وقتی  
هم که مراجعت می‌کردند می‌گفتند طبق بند الف یا  
بند ب قانون مطبوعات، توقیف کردیم و باستی  
معکومه تکلیف آن هارا معین کند محکمه هم طبق  
قانون باید در ظرف ۲۴ ساعت بگویند که توقیف  
است یا توقیف نیست، سروصدای مطبوعات بلند شد  
روزنامه‌های توقیف شده جمع شدن و خواستند  
به کمیسیون حقوق بشر شکایت بگفتند از نبودن  
آزادی مطبوعات در ایران بندۀم در مجلس راجع  
بتوقیف جراید آفای وزیر دادگستری را استیضاح  
کردند بودم یک مرتبه شنیدم که دولات بوج بخششانه‌ای  
کلیه روزنامه‌های توقیف شده را آزاد نمود خود  
بودند و جرمی مرتكب نشده بودند زیرا اگر اینها  
واعتماً گذهنده کردند بودند و پرونده ای برای آنها  
تشکیل شده بود و هم بودند صحیح مگر بخششانه  
نخست وزیر می‌تواند یک متهم را از دادگاه یا از  
ادامه محاسبه نجات بدهد؟ این درست مثل این  
می‌ماند که کسی متهم به قتلی باشد در جنی کذا و  
بازجویی می‌گذند و پرونده اورا با یک تلفن نخست  
وزیر یا وزیر دادگستری و یا یک بخششانه بگویند  
از این تاریخ آزاد هست، آزادی او جرم است  
زیرا او متهم بود باید محکمه تکلیفش را معین کند  
مگر این که بگوییم، از روز اول اتهام او واهی  
بوده و روی نظر سیاسی و شخصی بوده بزندۀ ای در  
کار ببوده قتلی در کار ببوده این کلام را بخواستند  
سرش بگذارند حالا هم مصلحت نیست آزادش  
می‌گذندند، حالا بندۀ برای این اظهار می‌کنم که تمام  
توقیف‌هایی که نسبت بجراید بعمل آمد بوج یا یک  
تلفن آزاد شدند اگر اینها جرمی مرتكب شده بودند  
جز این محکمه نرفتند می‌کنم باید تکلیف آنها را روشن  
کند و اگر جرمی مرتكب نشده بودند توقیف  
کنندگان اینها مجرم هستند بزید به آنها اعلام جرم  
کرد و باید محکمه مبالغه بروند اما نه محکمه‌ای که  
آفای بوزیری در راست باشد، اگر محکم  
سال‌جهانی بود من اعلام می‌کرم بآن کسانی که  
روزنامه‌ها را توقیف کردند و این می‌ینم کم‌کم کنم  
نه اینها بسته کنی و اچه اگر بخوبیون حقوق بشر  
در سال کنند و باید سوالاتی از ایران

بنده خیال میکنم که از راه درستی کسی نمیتواند  
ده چند صد هزار تومانی در شهریار از خالصه بعنو  
قسط بفرد و بد هم مبالغ هنگفتی پیشتر از  
هزار تومان خرج ساخته ام آن شده است اینها از  
درستی است؟ (دکتر بقائی) - همه کرده اند (خ)  
حضور (روزیکه بنده راجع پشت کت هواپیمائی  
اینجا یک صحبتی کردم آقای ابهاج اینجا تشریف  
نداشتند خیلی هم متاثر شدم که ایشان تشریف نداشتند  
بعد ایشان تکذیب کردند دوروز نامه، که آقای بوذر  
با ذرس نیستند در آنجا سمتی ندارند بنده الان از ایشان  
تشریف دارند سوال میکنم که ایشان عضو هیئت  
مدیره ایران توره استند یا خیر؟ استدعا میکنم جوا  
بفرمایید که سوال قدمن است ایشان عضو هیئت  
مدیره ایران توره استند یک مبلغ هم حقوق میگیرند  
ایشان عضو هیئت مدیره ایران توره استند یک مبلغ  
گزافی هم حقوق میگیرند و شرکت هواپیما  
ایران هم یک شعبه است از ایران تور آن وقت هش  
نفر هم در این مملکت کشته شدند خوشان هم در ز  
برای همین البته من خیلی از آقای ابهاج مشکل  
که باز آنجا وعده کردند که آنهایی که بیمه نبود  
بقدرت آنهایی که بیمه بودند فرامت ایران دارند باز  
تا اندازه ای تسلی خاطر برای باز ماندن گان داد  
آقای دکتر هدایتی قطعاً از این جریان که میغوا  
هرض کنم سابقه دارند یک قاضی در شهر دی بود  
که بنده اسمش را نمیدانم چه بود (آزاد اردبیل)  
(کشاورز صدر) - این را از لر مطبوعات فوستادن  
شما که آدم با انصافی هستید بخوانید مرحوم فرم  
در شب چهارم فروردین سال ۱۳۱۵ گرفته ش  
است ایشان هم در آن سال دادستان بودند باقیش  
بنده نمیخواهم، این کتاب در سال ۱۳۲۰ تا  
چاپ شده چرا تا حالا اهتمامی نکردند این دیو  
فرخی است توی اطلاعات هفتگنی هم نوشته شده  
تکذیب نکردند، این کتاب چهارینجم آن است و  
سال ۲۱ نوشته شده چرا نکذیب نکردند، تازما  
که ادعا نامه پشت این تریبون خوانده شود بن  
قانع نمیشوم ایشان وزیر دادگستری هستند بنو  
این ادعا نامه را بیاورند ادعا نامه بنام فرخی بود  
بیاورند بخوانند بهر حال در شهر دی با گزارش  
یاسبان شیوه ای این قاضی را اخیراً عوض کردند ادا  
است معنی دادگستری در این مملکت، این اسر  
معنی استقلال قضائی در این مملکت . یک کسی  
کارتنی داده و مینویسد هنوز شرکت ایران تور چیزی  
بوره نیزداخته بخواهند حقوق یکسال آنها را بد  
خوب مینهند (آزاد) - بروانه حسین نقیبی  
نفرمودید (بلی آنها را اگر بگویم بکارهای خود  
نمیسم یکندره دو ذره که نیزست اخوب است که  
تلکراغها را آورده ام این جا ملاحظه نکند  
محصلی در یک سال دو سال قبل برای دوره داد  
مازم اروپا بوده دعواهی با کسی کرده بود که  
یکی از شعبات یار که بدایت مضرح بود دعواه  
شده است روزیکم بخواهند بروند به وکامنوزه  
از خروج این شخص جاؤ کیمی داشد و گفته  
را هم بگیرید هوار نامه در طرف سه دوز صادر

اینجا بیاوریم و له و علیه صعبت کنیم فرق همچوکدام تمنی میکنم بعداز این رعایت بفرمائید رئیس - آقای مسکی بفرمائید.

مسکی - آن ملل آزاد آن مردمی که تو در دنیا آقایی بکنند و امپراطوری هائی مثل ورم رازی و رویکردن در سایه آزادی وعدالت تو نفوذ معنوی خود را مستقر بکنند، حکایتی از اسلام بسم آقایان میرسانم تا آقایان توجه بفرمایند که در سایه هدایت و قانون بود که یک مشت بدیوی توانستند در دنیائی تسلط پیدا کنند و است که در زمان خلافت عمر یک مقداری پای مسلمین بقیمت گرفتند و مطابق فواین اسلام پارچه باید بطور تساوی بین همه تقسیم بشود و قتنی که قسم شده بود و مقدارش باندازه بود هر مرد مسلمان بیش از ذرع آن روز نرسید و لی با پهار ذرع یک پیراهن بلند عربی درست نمود افراد کوتاه قد ولاغر اندام ممکن بود پیراهن تنگی درست بکنند و لی برای اشخاص و متواتط القامة بابلند قائم ممکن نبود البته آن که کوتاه قد بودند پیراهن های خودشان را در درست کردند تنک و کوتاه و یک روزی هم آنها به مسجد دیدند خلیفه از همان پارچه پیراهن کوشیده است ولو لای در مسجد بین مسلمین شد مگر سهم خلیفه بیشتر از ما داده اند گفتند نه اهان ذرع را گرفته گشادی شده است، زیادیش از باین بلندی و گشادی شده است، زیادیش از گرفته است لابد در موقع تقسیم برخلاف هدایت کرده و سهم خودش را بیشتر برداشته است اگر باشد خونش هدر است خونش را باید ریخت، خوب مباح است. شمشیرهارا کشیدند و بغلیه دوم کردند که توهم بارچه باندازه ما داشتند گفتند نه از کجا آوردی؟ گفت بنی زنهار بدینه، امان به نامن بشما ثابت کنم که برخلاف حق وعدالت کنکردند امام بروید پسرم عبدالله بن عمر را بیارید راهه عبدالله بن عمر را آوردند هر سید بارچه توجه گفت من جون دیدم پدرم خلیفه مسلمین است و بارچه برای او کافی نبست از سهم خودم گذشتند و را هم بیدر خودم هبہ کرد، تمام کسانی که همشیر را برای عمر کشیده بودند فلافل کردند و رفتند جای خودشان و قتبکه یک جامعه ای در سایه تعلیم عالیه شخص اول اسلام آنطور دارای هدایت میباشد که خلیفه اش ازیک فرد هادی بیشتر نمیتواند حق سهمی بگیرد دو امیر امپراتوری بزرگ مثل ایران و را تصرف میکنند، تمام این بد مخفیه ای که گری که مملل بدبخت و بیچاره میشود تمام ازبودن هدایت است، اگر هدایات در این مملکت حکومت میباشد اگر حق بر مسند خود جلوه کری میگردد بنده شو میکنم که خلیل از مستخدمین دولت هستند که از آنها بودزی بیشتر حقوق میگرفتند از اول زندگانیش وضع زندگی داخلیشان هم بهتر بوده است ولی هم که داشتند یعنی در این راهه ای از انتور نشست صاحب یک ده چهارصد هزار تومانی در شهر یارندند

نشد چه شد (کشاورز صدر - یگانی دویس محکمه بود) یگانی از شریقترين قضات این مملکت است از آزادترین افراد این مملکت است در آس دمکرانهای این مملکت بود بسیار خوب رأی داده است ولی بنده هر سه میکنم دادسرای دیوان کیفر طوری بروند را فرستاده کجز تبره کارهای بگری نهاده است، مسئول بانکمل بود بنده آن روز سند را خواندم، مسئول گلشانیان وزیر دارایی وقت بود هوش اینکه مسئول اصلی را بگیرند و تعقیب کنند میروند یکمکش کاسب و ناجر را میگیرند تعقیب میکنند بنده از این لعاظ امراض دارم باین پرونده که چرا متهمن اصلی را تعقیب نکرده دلیل هم نامه سفارت انگلیس بود که بنده خواندم در یشت تریبون، بعد از آنکه آنها تبره کرده بودند بنده سند را خواندم که باید مطابق این نامه تبره نشوند بنده در دوره یانزدهم تا وقتی که این محکمه جریان داشت ناظر بودم که کیست مسئول اصلی جون در دوره یانزدهم ما اینجا اعلام جرم کردیم بنده و آقای دکتر گفای ناظر بودیم که بینیم بکجا میرسد دیدیم یکوقتی اینها را تبره کردند وقتی که آنها تبره شدند آن نامه های سفارت انگلیس بدست مان افتد، آقای فرامرزی خواندم یا نخواندم که سفیر انگلیس رسماً بوزارت دارایی و بیانکملی ایران نوشته است حالاهم اگر آقایان اعتراضی دارید بنده یکدفعه دیگر میخواهم با صدور آن نامه ها و دستور ایکه مقامات خارجی راجع بخرید قند و شکر داده بودند و چندین میلیون پسرد این مملکت تمام شد متهمن اصلی را نگرفتند و رفتند بروند را بعیران اندام خفتند و بالتبیه قضاتی که در آن محکمه بودند منجمله آقای یگانی که بسیار مرد شریفی است و منهم با احترام میگذران گفته اند که توی بروند و چیزی بیدا نمیشود، نمیشود که این متهمن را با نشار محکوم کرد، خلیل هم خواستند محکوم کنند ولی راهی نداشتند، (عامری - دکتر سجادی سه نفر مستنطق را عوض کرد تا دستور مبنی بر صدور ادھانمه صادر شود روزیکه کابینه استغفا داده بود رفته است در وزارت دادگستری و دستور داده است) (کشاورز صدر - دکتر سجادی بعثایت انگلیس ها مطابق همان حرفی که زدید) (آزاد - اینها راجع به بند ب و چشم است که این حرفها را میزیند اگر بند ب چشم نمیبینند) (کشاورز صدر - آقای رئیس یک چیزی ایشان اشاره کردند اجازه میخواهم تذکر بدهم که ذهن ایشان روش بشود) به حال مطابق فقه اسلام در ازدهام اگر کسی کشته شد خونش هدر است دیه اش را بزید (فرامرزی - چون مدعی هستم باید حق بایمال شود، چه شرافتی دارد چرا آنچا نفس کرده ایشان نمیبینند) (کشاورز صدر - آقای رئیس یک چیزی ایشان را باید حاکم شرع بدهد) (فرامرزی - اگر بیک عده ای بر وند یک عده ای را بکشند این کجا فقه اسلام است، اگر یک اکثریتی بخواهد حق خودش را بگیرد و سرنیزه نگذارد جلوی آنها را بگیرد...) (همه ای نمایند گان) (زنگریس) (فرامرزی - مطابق ماده ۹۰ توضیح دارم باهوش نجاح که نمیشود) (دکتر بمقایسه - بگذارید حرف بزنند شما که جرأت ندارید برضیبه لار را بگویند، شما خودتان میگویند از یک طرف دستور رزم آراء بود از یک طرف جرأت ندارید گنویند این وضش نمیشود) شما میگویند که نظامیها بستانند آن هارا زندنی کشته شده اند که جرأت ندارید میند را بگویند چرا نمیگویند بگویند نظامیها زندن بر حسب دستور ریس ستاد ارش و قتله هم بوده، لامده این بروند قند و شکر در دیوان کیفر آن کسانی را که با اسم مقام گرفته بود هم را تبره کردند ولی عمل چند ملبوث تومان زیان دولت معاون

است ) من تمثیل میکنم که همیشه منکه به آفایان داشتم -  
نداشتم همیشه هم با تمام آفایان استکنیت نهایت  
احترام و تجلیل را داشتم (عدمی از نمایندگان -  
صحیح است ) وهبجوت اسائه ادبی نکردم و همیشه  
هم خواسته ام مطالبی را مطابق با واقع هرچ کنم  
و حب و پغش در کار بخراج ندادم آیا سزاوار است  
که آفای فقیه زاده سه تا از این نامه هارا بخوانند  
و بگویند که مال ۷ ماه پیش بوده و هرچه اصرار میکنم  
که ۳ روز پیشترین رسیده میگویند نه اینطور نیست  
( بعضی از نمایندگان - خوب اشتباه کردند ) همه اش  
اینطور است اینها حق شکنی است اینها گاذر دادی  
اگر دل شما می سوخت (من همان روز استیضاح کرد  
که اینهارا بخواهم ) آیا این جامعه ما را هنوز مطالع  
نمکن است باشد پس باید تا زاده اش را بهان بدهم  
( فقیه زاده - خوب بود همانروز می فرمودید نه حالا  
میکنند یک کسی بکند خوب یکم میگذرد که اینها  
در دوره املاک واکداری کاملاک را بزور از مردم  
می گرفتند توی زندان مردم را کفتند و املاکشان  
آیا این جامعه ما را هنوز مطالع است ) یکی مال اردیبهشت  
نکرده که نزدیک به اتفاقی شود ؟ سکرده این  
شکایات نوونه آنست به بینید در شهرستانها چه  
میگنند یک کسی بکند خوب یکم میگذرد که اینها  
برای من کافنی فرستاد و خیال کرده ما اکر اینرا  
بفرستیم پیش وزیر دادگستری یا جانب آفای نخست  
وزیر فورآ میگویند که اینرا رسیدگی بکنند آخر  
من نمیدانم چه بکنم خود منم روم نمیشود جواب  
بدهم تمام این تلکرافات و شکایات که از تمام نقاط  
این مملکت رسیده است یکی از آنها جواب  
نخواهد ایم برای اینکه چه جواب بدھیم بتوسیم که  
که از طرف من این یا کتر را بخواهید ( فقیه زاده -  
هر کس که بر علیه مملکت اقدام بکند اگر  
شکایتها را بنه میفرستم پیش بعضی از وزراء نهم  
در می آورند ) اعدامش بکنند ) آشیانی زاده -  
اگر بوزیرش کاملا اعتقاد داشته باشم میگوینم آقا  
این را رسیدگی که جواب را خودتان بدهید کار  
دیگری نمیتوانم بکنم الان چند روز است که این  
زندانیان مرکز زندانیانی که از خارج آوردند  
یک زندانیان دیگری هستند با اسامی مختلف از  
دھرستانها آورده اند بطرhan میگویند مدتی است  
که توی زندان هستیم و بلکل یعنی آخرين دادگستری  
این دادسرای تهران برای چه شمارا از همان  
کنند میباشند ماده اینست ( صاحب جم - توپیت خود  
را فرستیم که این را ملاحظه بفرمائید آقا  
از زندانیان را ازین زندانیانی که از خارج آوردند  
یک زندانیان دیگری هستند بازرس میفرستم اول  
تحقیق کنم که بازرسی انتخاب شود که تعیین نشود  
بعد خودشان گفته که مشیری یک بازرسی درست  
و صحیح است او رفته است آنجا و گزارش داده  
از وزارت دادگستری سوال فرمائید علی اینکه  
کزارش آفای اسدالله مشیری بازرس هالی وزارتی  
میبرد و قلمها را میشکند لذا ما هم با نخست وزیر  
هم صدا شده میگویند مرده باد دیکتاتور مرکز بر  
دیکتاتوری این روزنامه را توپیت کرده اند در تمام  
دنیا روزنامه های فکاهی مطالع شده بوسیله زاندارمری ارک  
مال شان فکاهی است غایب دروغ است غالباً  
شوخی است یک روزنامه نکاهی بود بنام حاجی با  
که همه خوانده اند این را برحسب دستور به ۶ ماه  
حبس محکوم شکرده اند هر چهاری اینکه برای  
تشییع چنانچه بلال مقاله ای نوشته بود و عکس یک  
بلال را کشیده بود یک روزنامه فکاهی کمطالع  
شوخی است این را با یک تلفن باید یجور محکوم شد  
بکنند صدم کاغذ های که شکایت از دادگستری  
شده هکایتی است که از رشت رسیده یک سلامی  
بدبغثی را گرفته اند بدون جهت جبس کرده اند  
و بعد گفته اند که توی زندانیان را بخواهند  
این شکایت ها که اینجا است تلکراف است وفالش  
هم دارای رونوشت است که بخود آفای نفخ و زیر  
و زیر دادگستری و سایر آفای نمایندگان هم  
داده اند هم اش مربوط بیک شهرستان ستمکشیده  
زدیک مسعودات را با مشاهدات منطبق نموده و یک  
اسد ( یکنفر از نمایندگان - امشی را فرماید )  
الآن هرچ میکنم مر بوط بشهر ادراك است بنده  
توپیتی هرچ میکنم در یکی از این تلکراف ها  
اساسی ایران میگویند و گل حق ندارد دو تا یست  
می بینند هر ارجو قانون شکنی وجود دارد امر و صبح

فیول بکنند در دوره رضا شاه هم کسانی که می نمایند  
در بار را داشتند وقتی که انتخاب میشدند دیگر آنها  
را بدر بار راه نمی دادند ( آشیانی زاده ) و حشیانه  
دیگر برندلایر کلکشن را کنند ( آشیانی زاده ) خوب  
الحمد لله هرچ میکنم حضور تان این یک فلسه ای  
دارد برای این کشاده رایست های بر تمام قوای مملکت  
آمده است چه میگنند ؟ تمام علمای علم الاجتماع  
میگویند که انقلاب ناشی میشود از تمام مظالم  
آیا این جامعه ما را هنوز مطالع است ( فقیه زاده )  
نمکن است باشد پس باید تا زاده اش را بهان بدهم  
( فقیه زاده - خوب اشتباه کردند ) همه اش  
اینطور است اینها حق شکنی است اینها گاذر دادی  
اگر دل شما می سوخت ( من همان روز استیضاح کرد  
که اینهارا بخواهم ) آیا اینهارا بخواهی است یا غیر توده  
ای است از اول که بنه شروع بصحت کردم عرض  
کردم که در مملکت باید قانون میگیرند معاکمه اش بکنید بدون  
کسی تخلف کرد بگیرید معاکمه اش بکنید بدون  
قرار حق و قیف ندارید آفای فقیه زاده ما در یک  
ملکتی زندگی میگیم که بدون قرار توفیق آفای  
اصدقسلطنه را به احمد آباد تبید میگنند ما در  
ملکتی زندگانی میگیم که بدون قرار توفیق آفای  
آفای آزاد و آفای دکتر بقایی و آفای حائری زاده  
را توفیق کردن مکاریان آفای دکتر طاهری آفای  
در می آورند ) اعدامش بکنند ) آشیانی زاده -  
اعدامش بکنند ) اعدامش بکنند ولی باقیان اگر  
جامال امامی و این آفایانی که دوره ۱۴ گرفتند شما  
آن را رسیدگی که جواب را خودتان بدهید کار  
دیگری نمیتوانم بکنم الان چند روز است که این  
زندانیان مرکز زندانیانی که از خارج آوردند  
یک زندانیان دیگری هستند بازرس میفرستم اول  
دھرستانها آورده اند بطرhan میگویند مدتی است  
که توی زندان هستیم و بلکل یعنی آخرين دادگستری  
این دادسرای تهران برای چه شمارا از همان  
کنند میباشند ماده اینست ( صاحب جم - توپیت خود  
را فرستیم که این را ملاحظه بفرمائید آقا  
از زندانیان را ازین زندانیانی که از خارج آوردند  
یک زندانیان دیگری هستند بازرس میفرستم اول  
تحقیق کنم که بازرسی انتخاب شود که تعیین نشود  
بعد خودشان گفته که مشیری یک بازرسی درست  
و صحیح است او رفته است آنجا و گزارش داده  
از وزارت دادگستری سوال فرمائید علی اینکه  
کزارش آفای اسدالله مشیری بازرس هالی وزارتی  
میبرد و قلمها را میشکند لذا ما هم با نخست وزیر  
هم صدا شده میگویند مرده باد دیکتاتور مرکز بر  
دادگستری از دادسرای ارالک سوال نمیکند علت این که  
هشت فقره احکام مبنی بر رفع مزاحمت از طرف  
است و گزارشانی همداده است بوزارت دادگستری  
و آفای مشیری هم گفته بود که اگر این آفای  
مستوفی بود در این قضیه ۰۰ نفر کشته میشدوای  
آن دادستان را هم فرستادند بخوزستان برای اینکه  
آنها آب خنک بخورد بنا برای بنده در اینجا با  
صدای رسان استعداده بکنم از اهلی حضرت های این شاهنشاهی  
که نسبت به این موضوع آفای شکرانی یک تلکراف  
بکنند اگر واقعی اینها را بخورد بخواهند که اینها  
است آنجا خدمت کنند و اگر اینجا مفید است  
دستور بفرمایند که اینجا انجام وظیفه بکنند و  
از این اعمال نمود خودداری کنند که روزی مجبور  
نشوی شکرانی و ایادی او به تئک آمده ایم بخاطر  
دادگستری هم موقوف الاجرا بگذارند خدا میداند از ظلم  
رضای شکرانی و ایادی او به تئک آمده ایم بخاطر  
حفظ شنو و جیشت مملکت و نوع دوستی بفرمایند  
بررسید و حاضر هستیم بخراج خودمان چند نفر بازرس  
بی نهایت عالی مقام تدين منبع الطبع شجاع که خدارا  
اظاهر بداند و از مقام خود خرسد و نفوذ آفای رضای  
شکرانی در وجود آنها تائی نکند بارا افزایم از  
زدیک مسعودات را با مشاهدات منطبق نموده و یک  
اسد ( یکنفر از نمایندگان - امشی را فرماید )  
الآن هرچ میکنم مر بوط بشهر ادراك است بنده  
توپیتی هرچ میکنم در یکی از این تلکراف ها  
اساسی ایران میگویند و گل حق ندارد دو تا یست  
اگر بود آنوقت بفرمایند )  
( محمدعلی مسعودی - خانواده ایشان بشرافت معروف

شجاع جبهه ملی رونوشت جناب آفای مکی نماینده  
فیال و با شهامت مجلس رونوشت چند که شما  
این خلاف قانون دولت را در مجلس تذکر بدهید  
قانون، از مجلس گذشت خدمت نظام وظیفه را برای  
افراد غیر دیلمه و دیلمه معین کرده است و خدمت  
دیلمه و لیسانسی و دیلمه ویساخان شکرانی و ایادی  
سایر افراد را هم معین کرده است بر خلاف قانون  
که از مجلس گذشت میگاهند اینها را مدت خدمتشان  
را زیاد کنند ( آشیانی زاده ) از این مستقل است  
آفایان بدهید بیینند یا همراه بیکنفر بدهید ( دکتر  
بقاعی - ده را با آفای فقیه زاده بدهید ) خواهش  
است خدمت نظام وظیفه برای افراد دیلمه و لیسانسی  
را فاون معین کرده شما نمیتوانید بر خلاف قانون  
عمل کنید، آخرین بی قانونی تا کمی باشد ادامه  
داشته باشد جزاینکه بگوییم خوشو قدم که ( خوب بعین  
فشاربختانه درجهان بایار نمیماند ) هرچ میکنم که  
این فشارها و این مظلوم و این بدغایتی ها هم که بواسطه  
فشاربختانه اعمال نمود داخلی و خارجی برای مردم  
ستمکش تجمل می شود آیا اشخاصی کشود را  
نمیماند یک روزی ازین میزدگار نزدیک  
توانین یک روزی ازین میزدگار نزدیک هم که روزه زندگان  
است برای اینکه مردم بحق خودشان آشنا شده اند  
و دنیا هم با یک سرتی سعادت میزدگار نزدیک  
هر قدر بجوایم خودمان را کلکشان بدهیم و سرمان  
را زیر برف بگنیم این اشتباهی است که ما را به  
آنکه تقدیر شایسته این است که اسید چنگال ظالمانه  
شخص متجاوز و متعدی شوند و تا حال قریب یک  
میلیون ریال با محاکمه وارد ساخته و مأمورین مر بوط  
از ترس نامبرده و ایادی او ابدآ توجهی نموده و  
حتی هلن با او تشریفات مساعی میگنند استدعا داریم  
از وزارت دادگستری سوال فرمائید علی اینکه  
کزارش آفای اسدالله مشیری بازرس هالی وزارتی  
فریب ۳ ماه است اجرای نیشود چیست ؟ چرا زاده  
دادگستری از دادسرای ارالک سوال نمیکند علت این که  
دیکتاتوری این روزنامه را توپیت کرده اند در تمام  
دنیا روزنامه های فکاهی مطالع شده بوسیله زاندارمری ارک  
مال شان فکاهی است غایب دروغ است غالباً  
شوخی است یک روزنامه نکاهی بود بنام حاجی با  
که همه خوانده اند این را برحسب دستور به ۶ ماه  
حبس محکوم شکرده اند هر چهاری اینکه برای  
تشییع چنانچه بلال مقاله ای نوشته بود و عکس یک  
بلال را کشیده بود یک روزنامه فکاهی کمطالع  
شوخی است این را با یک تلفن باید یجور محکوم شد  
بکنند صدم کاغذ های که شکایت از دادگستری  
شده هکایتی است که از رشت رسیده یک سلامی  
بدبغثی را گرفته اند بدون جهت جبس کرده اند  
و بعد گفته اند که توی زندانیان را بخواهند  
این شکایت ها که اینجا است تلکراف است وفالش  
هم دارای رونوشت است که بخود آفای نفخ و زیر  
و زیر دادگستری و سایر آفای نمایندگان هم  
داده اند هم اش مربوط بیک شهرستان ستمکشیده  
زدیک مسعودات را با مشاهدات منطبق نموده و یک  
اسد ( یکنفر از نمایندگان - امشی را فرماید )  
الآن هرچ میکنم مر بوط بشهر ادراك است بنده  
توپیتی هرچ میکنم در یکی از این تلکراف ها  
اساسی ایران میگویند و گل حق ندارد دو تا یست  
می بینند هر ارجو قانون شکنی وجود دارد امر و صبح

است ) من تمنی میکنم که همیشه منکه به آقایان دشمنی نداشت همیشه هم با تمام آقایان اسکندریت نهایت احترام و تجلیل را داشتم ( عدمای از نمایندگان - صحیح است ) و هبجوقت اسانه ادبی نگرددام و همیشه هم خواسته ام مطالبی را مطابق با واقع عرض کنم و حب و غض در کار بخراج ندادم آیا سزاوار است که آقای فقیه زاده سه تا از این نامه هارا بخواهند و بگویند که مال ۷ ماه پیش بوده و هرچه اصرار امکننم که ۳ روز پیشترین رسیده میگویند نه اینطور نیست ( بعضی از نمایندگان - خوب اشتباه کردند ) همانش اینطور است اینها حق شکنی است اینها گاغند داری است که برای من نوشته اند و هر زندان هم روی آن است بنده کار ندارم باینکه توهه ای است یا غیر توهه ای است از اول که بنده شروع بصحبت کردم عرض کردم که در مملکت باید قانون حکومت بگذرد اگر کسی تخلف کرد بگیرید معا کمه اش بگزیند بدون قرار حق - توفیق ندارد آقای فقیه زاده ما در یک مملکتی زندگی میکنم که بدون قرار توفیق آقای مصدق السلطنه را به احمد آباد تبعید میکنند ما در مملکتی زندگانی میکنیم که بدون قرار توفیق بنده و آقای آزاد و آقای دکتر بقائي و آقای دکتر طاهری آقای را توفیق کردند مگر این آقای دکتر طاهری آقای جمال امامی و این آقایانی که دوره ۱۴ گرفتند شما آقایان مکرر اعلام جرمی کرده بودید پس چرا شما را توفیق ندان کردند ؟ آقای فولادوند شما را چرا توفیق ندان کردند ؟ ( اسلامی خودشان رفتند آقا ) ( خنده شدید نمایندگان ) ( غلام رضا فولادوند - همان جانب اشرف بودند در زندان ) در این مملکت که به میل اشخاص اشخاص را میگیرند توفیق و حبس میکنند مجازات میکنند اعدام میکنند این قانون نشد اینکه عدالت نشد این عدم دستگاه قضائی را میرساند مثل بنده بمانه مثل آقای دکتر بقائي باید آقای حائری زاده رببه ۱۱ قضائی هستند اول باید سلب صلاحیت قضائی از ایشان بگزیند بعد بینند توفیق شکنند در این مملکت که همه جور ( در این هنگام از خارج جلسه صدای فریادی شنیده میشد ) ( کشاورز صدر - چه بود آقا ) سلام با آقای کشاورز صدر میسانید ( کشاورز - صدر - چی قربان بنده نشنیدم آقا ) قوانین برای اشخاص ضعیف و قوی قابل تعبیر و تفسیر است از این قبیل بعده ایشان زیاد میشود بنده خیلی خدا میداندم که کرده ام که ذلاصه کنم هر ارض و مطالبم را و خواستم از حدود زرا کت خارج نشوم و آنچه را که بمحضت مملکت و مملکت میدانم بگویم حالا آقایان مختار هستند مانظوری که بنده هر کردم طرفداران دولت تمام این استناد را مثل همین تاریخ مال ۷ یا ۸ ماه پیش مبدانند و آن حکم محمودی را میگویند چیز هادی بوده و سایر مطالب هم بتکذیب میگذرد و بعد هم رأی مینهند بنده برای این رأی هر ض نگردم هر ض کردم که دنبای بداند دستگاه قضائی این مملکت چیز که است و در رأس این دستگاه قضائی که مورد حمایت آنهاست به شخصی قرار گرفته است فقط همین بنده فاضی بوده است در یک دادگاه عضو علی البطل بوده است طبق قانون ایشان ایشان برای ۳ سال نمیتوانند تعویض کنند چند روز قبل گرفته اند نهادند و معمم در عدلیه بودند بهتر از امروز مردم از معا که بیرون می آمدند و این عدلیه ای که امروز کاخ آن بغلک کشیده ۳۷ هزار پروردگار ملکت مردم را نفو کرده اند بنده همین عدلیه ( یکی از نمایندگان - در چه موقع ) مال دوره رضا شاه بآمالات و اگذاری در دوره املاک و اگذاری کاملاک را بزود از مردم می گرفتند توی زندان مردم را بگشتن و املاک شان را بگرفتند در سال گذشته بندۀ ضمن ( فقیه زاده - ایها همه اش مال از دیگرهاست ) یکی مال از دیگرهاست ممکن است باشد پس بیاند تا تازه اش را بهتان بدم ( فقیه زاده - خوب بود همانروز می فرمودند نحالا اگر دل شما می سوخت ( من همان روز استیصال کرد که اینهارا بخوانم ( صاجبجمع - عجب مهم است ) آقا آنها را بردار بیار اینجا الان هم اینهارا می خوانم ممکن است یکیش مال از دیگرهاست باشد ولی هر چهار تا آنطور نیست ( فقیه زاده - هر چه تایش هست ) سال گذشته بنده اینجا یک تلگرافی قرات کردم که یک کسی در ۱۳۱۷ ملکی را خریده آقا اینها ۲۹-۷۲ است آقای نخست وزیر شاو کالت دارید که از طرف من این باکتر را بخوانید ( فقیه زاده - هر کس که بر علیه مملکت اقام بگزیند بدوش را در می آورند ) اعدامش بگزیند ( آشیانی زاده - چرا اعدامش بگزیند ) اعدامش بگزیند ولی باقیانون اگر قانون اجازه می دهد شما این را ملاحظه بفرمائید آقا حرفا های افليت راچه جور اگزيرت تعریف می کند تاریخ ۷-۲-۱۳۱۷ است می گویند مال ارادی بهشت است و اعماشا را فقیه زاده می گویند ( آشیانی زاده - پدرشان فقیه بوده باشان چه ) آخر ولد لعالم نصف العالم شما آقمار اهمومی کنید که این مال امامی است ( صاحب جم - تو خود خودت راهومی کنی ) آقای صاحب جم بندۀ از مین های عباس آباد برنداشتم که هوشوم ( صاجبجمع - خجالت بکش حرفی بزن که بچسبد اگر یک متواتستی برای من یاد کنی بشفری اگر نبری ) بی شرف خودت هستی خیلی متأسفم که استاد همراه ندارم والا عرض می کردم ( یکی از نمایندگان - اینکه همیشاست ) لاقل بهشان نمیگویند که برای چه شمارا از همان از قزوین آورده اند اینجا حالا اینها را من نمیدانم میدهم خدمت آقای فقیه زاده چون غالبا شان نوشته اند که ما فزونی هستیم همه این کاغذ ها را از زندان فرستاده اند که ملاحظه شود فرستنده از زندان موقت شهر بانی اینها را بدھد بآقای فقیه زاده چون و کیل فزونند مال یکشتب کار گر بیچاره ای است که به این قیام برعلیه حکومت ملی گرفته اند و آورده اند ( موسوی - با آقای صاحب جم بدھد ) آقای صاحب جم تشریف ندارند فرق نمیگزند ایشان هم مثل ایشانند ( فقیه زاده - اینها همان توهه ای هستند ) توهه ای باشند توهه ای هم باید طبق قانون مجازات شود طبق قانون باید معاقمه بشود طبق قانون باید جس بشود بدون حکم محکمه که نمیشود نوشته اند که بلا تکلیف اگر با حکم بودند که شکایت نمیگزند باز هم یک شکایت دیگری که لابد هم اینداد نوشته اند باز از جریان فساد استناده ای دادگستری آقایان خواندنده باز از جریان فساد استناده ای دادگستری به همچافر استناده است قبل از اینکه بیانندگاری دادگستری تشکیل بدهند یعنی مرحوم داور عدلیه را منحل بگزینند یک قضائی در این مملکت بودند و یک کاری هم در دادگستری می گردند و ای مسلم آن روز ناراضی اینکه باندازه امروز نبود هم می گفتند که عدلیه نداریم و عدلیه ماسد است و چه است و چه ایشان شایعات بود که آمدند و عدلیه را منحل کردند و این کاخ ظلمی را بجایش نهادند ولی من مطمئن که در آن روز که هنوز عدلیه را منحل نکرده بودند و همان نهضت

قبول بکنند در دوره رضا شاههم کسانی که مستعدند دربار را داشتند و قدری که انتخاب میشوند دیگر را بدربار راه نمی دادند (آشیانی زاده و کیل دیبا) برندملایر کلکشن را کنند (آشیانی زاده العبدالله) هرچند میکنم حضور تان این یک فلس شارود براي، اين کشاوه رياست عالي بر تمام قوای اسلام دارد قوه مقتنه هم يكى از قوای جهار گاهه است یا سه گاهه ولی از اين لحاظ پنه هرچند مصلحت شاه و مصلحت دربار شاهنشاهی ایران که يك نماینده ای هم در آنجا سمت داشته باشد در اينجا بايستی يا آن سمت را قبول نکنند بلطفاً هم را با آفای شکرانی و كبل و رئیس دربار شاهنشاهی (قیه زاده - نسبت است میدهند) اين تلکرافها مردم کرده اند مگر مرض دارند یا نباید با آفایان بدھيد بپیشنهاد يا هم را بیکنفر بدھيد (د تکر بقائی - همه را با آفای قیه زاده بدھيد) خواهش میکنم که این خود شیرینی ها و این يا روی حق گذاشتن ها را آفای قیه زاده بگذارند گزار، این کارها است که این مملکت را باینجها کشانیده است بهر حال می نویسد . . . چه جنایات را مرتکب که واقعاً از ذکر اسامی آنها شرم دارم تا کنون ييش از چند میليون کلمه هشکایات کتبی و تلکرافی و دادخواهی شده و بواسطه نفوذ نامبرده و ایادي او نمیگذراند و قوانین اجرا شود آیا اشخاصی که خود را ملزم به پیروی از منورات مقامات عالیه و اطاعت از توانيين مقدس مشکنی دانسته و تمام اوقات را صرف همان و آبادی واقعی و تأمین بهداشت عمومی و کمال باقتصادیات و تولید صادرات مملکت می کنند بجهای تقدیر شایسته اين است که اسری چنگال ظالمانه شخص متجاز و متعدی شوند و تا حال قریب يك ميليون ریال به مخسار وارد ساخته و مأمورین مربوطه از ترس نامبرده و ایادي او ابدأ توجیه نموده و شده يك چیزی که نوشته است اين است ' می نویسد دیکتاتور از انتقاد عصیانی میشود دیکتاتور عمل خود را مافوق همه میداند دیکتاتور زبانها را بزیر برف بکنیم این اشیاهی است که ما را به انقلاب و نابودی می کشانند، من راجع بروزنامه هائی که توقیف شده مطالب زیادی دارم که میتوانم بعرض بررسام يك روزنامه اي در خراسان توقیف شده يك چیزی که نوشته است اين است ' می نویسد دیکتاتور از انتقاد عصیانی میشود دیکتاتور عمل خود را مافوق همه میداند دیکتاتور زبانها را بزیر برف و قلمها را میشکند لذا ما هم با نخست وزیر هم جدا شده میگوییم مرد باد دیکتاتور مرد بر دیکتاتوری این روزنامه را توقیف کرده اند در تمام دنيا روزنامه هاي فکاهي مطالب جدي را نمیتوانند مطالب شان فکاهي است غالباً دروغ است غالباً خوش است يك روزنامه فکاهي بود بنام حاجي بابا که هده خوانده اند اين را بر حسب دستور به ۶ مام جلس مسکوم حکمده اند چرا؟ برای اينکه برای تشبیح چنان زلال مقاله اي نوشته بود و هکس يك بلال را کشیده بود، يك روزنامه فکاهي که مطالبه شوخی است اين را با يك تلفن بايد بجنورد مکحوم شد هنکنند همن کاغذه هائي که شکایت از دادگستری شده هشکایتي اسده که از رشت رسیده يك سلامانی بدھيغتی را گرفته اند بدون جهت جمیش کرده اند و بعد گفته اند که تو چرمی نداری برو آزادی ، اين شکایت ها که اينجا است تلکراف است و غالباً هم دارای رونوشت است که بخود آفای نخست وزیر و وزیر دادگستری و سایر آفایان نماینده گان هم داده اند همه اش مربوط يك شهرستان ستمکشیده است (بیکنفر از نماینده گان - امشش را بفرمائید) الان هرچند میکنم مربوط بشهر اراك است بنه تو پژوهی هرچند میکنم در يكى از این تلکراف ها اساسی ايران میگويد و كبل حق ندارد دو تا يك می بیند هر ارجور قانون شکنی وجود دارد امر و مصیب زود ساعت شش صبح بین تلفن گرده بودند که شما این خلاف قانون دولت را در مجلس تذکر بدھيد و ننک آور رضای شکرانی معلوم العال در تمام مقامات و نزد اشخاص با وجود اظهر من الشمس و احتجاج بهیکونه استدلال ندارد نامبرده به بیشتر گردید و اتساب به یوسفغان شکرانی و كبل و رئیس دربار شاهنشاهی (قیه زاده - نسبت است میدهند) اين تلکرافها مردم کرده اند مگر مرض دارند یا نباید با آفایان بدھيد بپیشنهاد يا هم را بیکنفر بدھيد (د تکر با آفایان بدھيد بپیشنهاد يا هم را بیکنفر بدھيد) خواهش میکنم که این خود شیرینی ها و این يا روی حق گذاشتن ها را آفای قیه زاده بگذارند گزار، این کارها است که این مملکت را باینجها کشانیده است بهر حال می نویسد . . . چه جنایات را مرتکب که واقعاً از ذکر اسامی آنها شرم دارم تا کنون ييش از چند میليون کلمه هشکایات کتبی و تلکرافی و دادخواهی شده و بواسطه نفوذ نامبرده و ایادي او نمیگذرانند و قوانین اجرا شود آیا اشخاصی که خود را ملزم به پیروی از منورات مقامات عالیه و اطاعت از توانيين مقدس مشکنی دانسته و تمام اوقات را صرف همان و آبادی واقعی و تأمین بهداشت عمومی و کمال باقتصادیات و تولید صادرات مملکت می کنند بجهای تقدیر شایسته اين است که اسری چنگال ظالمانه شخص متجاز و متعدی شوند و تا حال قریب يك ميليون ریال به مخسار وارد ساخته و مأمورین مربوطه از ترس نامبرده و ایادي او ابدأ توجیه نموده و حتی هلنبا با او تشریک سماهي میکنند استدعا داریم از وزارت دادگستری سؤال فرم-ایند علت اينکه گزارش آفای اسدالله بشري بازرس عالي و وزارتني قریب ۲ ماه است اجرا نمیشود چيست؟ چرا وزارت دادگستری از دادسرای ارک سؤال نمیکند علت اين که هشت فقره احکام مبنی بر رفع مراجعت از طرف چند دادستانی صادر شده بوسیله زاندارمری اراك اجرا نمیشود چه میباشد اداره کل زاندارمری چرا از زاندارمری اراك هلت مسامحه و تفسیر و تعبیر احکام را نمیبرد؟ و مورد مؤاخذه قرار نمیدهد اگر اين اداره هر چیز و طوبیل برای حفظ انتظامات و جلوگیری از تهدیات تجاوز کاران است پس چرا چهارماه است بداد بیچار گان نمیشود آیا در کدام نقطه از زنجان معمول بوده که احکام صریح دادستان را بدون هیچگونه مجوزی موقوف الاجرا بگذارند خدا میداند از ظلم رضای شکرانی و ایادي او به تنه میباشد اداره کل زاندارمری بخاطر حفظ شئون و حیثیت مملکت و نوع دوستی بغير بادما بر سيد و حاضر هستیم بخرج خودمان چندندتر بازرس بی نهایت هالي مقام تدبین منبع الطبع شجاع که خدارا ناظر بداند و از مقام خود خرسد و نفوذ ایادي رضای شکرانی در وجود آنها تأثیر نکند باراك اهزام از زندگان شکایت ها که اينجا است تلکراف است و غالباً هم دارای رونوشت است که بخود آفای نخست وزیر و وزیر دادگستری و سایر آفایان نماینده گان هم داده اند همه اش مربوط يك شهرستان ستمکشیده است (بیکنفر از نماینده گان - امشش را بفرمائید) الان هرچند میکنم مربوط بشهر اراك است بنه تو پژوهی هرچند میکنم در يكى از این تلکراف ها اساسی ايران میگويد و كبل حق ندارد دو تا يك می بیند هر ارجور قانون شکنی وجود دارد امر و مصیب

بذریعه شش بر گردانند ، میدانم منصوبه دمل .  
کانون فساد بی عققی ، دزدی و کاغذه سازی ، همه  
چیز دارد و تقویت میشود اما این معنی را چنان  
آفای بودزی عرض کردم که میگویند این بشما  
مربوط است گفت خیلی ها خودشان را بنم منتب  
میگنند ولی من نهی میکنم و دستور تغییر اورا شنیدم  
داده ام من خودم رقمت در آگاهی گفتم آقا این  
ینجاه شصت قفرمیر و نهمدارد حتی محروم صنایع کبیر  
دستور داد که او را بگیرند و بیرنند همه میدانند  
یکچنین آدمیرا ، یکتا مأمورین کوچولو ریزیز آن  
تو با یک حقه بازی بایا هم ساخته اند و کلامبرداری  
میگنند من کتابان شهادت نمیکنم و قویاً از دولت  
میخواهم این دکانهای رمالی جفاوی و حقه بازی باشدجمع  
شود اگر خاطر آفایان باشد من خودم این جا آفای  
آفایسید جلال طهرانی نشته بود که یک قاعده دمل  
را چون استادراین فن هم هستند گفتم این حقه بازیست  
با این حقه بازی رفتن دیگر گذاشته روی بار آتش  
کرده از خانم آن سید محترم آن تاجر صحیح العمل  
رفتند سند ثبتی گرفتند  
پس بنده کتابان شهادت نمیکنم آنچه را که  
بدانم ولو والله العظیم بذات پروردگاری خود هر  
شخص باشد برادرم بدرم ، مستکانم باشد میگویم  
و وظیفه خود میدانم که حقیقت را بگویم . (احسن)  
(احسن)

**کشاورز صدر** — چنان آفای کشاورز صدر بفرمایید.

اشاره فرمودند که بنده از آقای شیخ عبدالملک -  
لطفی در این جا تجدید مکرده ام بنده تهدیق دارم  
یک روزی که گفتند در جنوب دزدیهای شده است  
ولطفی را معین کردند که برود در آن جا وابس  
دزدیهارا کشف بکند و خود او هم گفت من با  
دلایلی که بدست آمده است بعض ورود در آنجا  
استان دار آن جا آقای مصباح فاطمی و دیگران را  
توقف میکنم و این جرم را یک ماهه کشف میکنم  
و تحويل میدهم بنده برای خدمت بهمک آدمد اینجا  
کفتم این لطفی که معروف بخشونت است برود آن جا  
قضیه را کشف بکند ولی بعد از این که رفت آن جا  
و حقایق مکشوف شد و دویبه را بیست هزار  
تومان فوق العاده گرفت از خزانه تنهی دولت آن وقت  
گفت دویبه هارا از زیر سرم دزدیدند

( آزاد — در مشهد چه کار کرد ؟ )  
الان مشهدرا هم عرض میکنم خیلی منونم که مخوب  
فرصتی دادید که راجع به مشهد هم مطالubi عرض کنم  
این است که میگوید آمدند دوسيه ها را از زیر سر  
من دزدیدند حقیقت غیر از این است این آفاقت  
آن جا قبیه را ماست مالی کرد و هوچگری کرد  
و دوسيه ها راهنم اکر چیزی داشت خودش ریخت  
نحوی شط و الا انصاف میخواهم از آقایان توی  
داد گسترشی با داشتن قراول کسی میتواند بروآنجا  
از زیر سرآفادوسرا ایرد ؟  
این را باید از کی مثل آفای لصفی قبول کرد ؟  
نه الان اکر از آفای ملکمنی که از همه پیشتر

بنده کارهای خلاص قانون را میگویم هر کس کرده خطای کرد و پس اگر قبول داردید در موقع رأی خواهیم دید کهچه جوری رأی خواهید داد ایشان در چندین مورد ، در چندین حکمیت شرکت داشته اند و این حکمیت‌ها برای حسن فضawat ایشان نبوده است که بعد بگویند بقول آن شاعر عرب که ما افظاک چقدر خوب قضاوat کردی تو ، اینها فقط برای نفوذ ایشان بوده است چون در رأس يك وزارت خانه‌ای هستند ، معاون يك وزارت خانه‌ای هستند ، وزیر دادگستری هستند برای این است که از موقعیت ایشان استفاده کنند ، اینها فقط برای این است که از نفوذ اشخاص ، از موقعیت اشخاص استفاده بکنند و بایند يك دعاوی بزرگ را حل و فصل بکنند و بعد هم يك حق حکمتی بگیرند حالا کی حاکم بشود ، کی محکوم میشود بنده کاری ندارم ولی اصولا کسی که در دستگاه قضائی يك سمتی دارد ، آنهم يك سمت مهمی او حق ندارد وارد دعاوی حکمت بشود و بنوان حکم در قضایا دخالت بکند بنده این تلگرافها را میدهم بدفتر کمیسیون عرايس که جواب نامه ها و شکایت مردم را خود کمیسیون عرايس مخبره کند .

رئیس - جلسه سه ساعت طول کشیده ، یعنی دقیقه مانده است .

بعض از امدادگران - نشانه .

بسی از دهایند کن — می سبیم جواب  
استیضاح را بدهند.

۵- دکتر بقایی - ۲۰ دقیقه مانده است .  
شوشتري - بنده طبق ماده ۹۰ اختهاردارم  
رئيس - سه نفر از آفایان بر طبق ماده ۹۰  
اجازه خواسته اند .  
بعضی از نهایندگان - باشد برای  
جلسه بعد  
شوشتري - نه برابن تأثیر در رأی دارد  
رئيس - پس آفایان تشریف داشته باشند که  
صحبایشانرا بکنند ، آفای شوشتري بفرمائید .  
شوشتري - بسم الله الرحمن الرحيم یانی که  
جناب آفای مکی فرمودند که کیمان میکنم از گفتن  
حقیقتی که در روز نامه شریفه اطلاعات مرسوطاً یک  
نیز نک و حقه بازی و کلاهبرداری را نوشه است اولاً  
آفای مکی میدانند در ماهیت من در کالبدمن کیمان نیست  
و اگر این بیان را روزنامه‌ای کرده بود ابدأ و عقی  
د کلیده زد این روزنامه خسارتمند است .

بیکار رام ریز، روزی عرض نهادیست و نی پوون نایدنه  
معترمی در مجلس شورای ملی بیانی کرد که در خارج  
مسکن است منفکش بشود که خدای نخواسته و کیلی  
کلاهبرداری، حقه بازی را میداند و کیمان میکند  
میدانم غرض ایشان وهنی بنین نبود (صحب است)  
لای از وضعی این موضوع در خارج این است من  
یس از اینکه آقای مکی از کرکان بر کشتم آقای  
حاج سید حسن سعادت تاجر بنین مراججه کرد که  
منصوری رمال بآن شکل افعی آوردن بیرون  
همانطوریکه روزنامه‌مشیره اهلیات نوته است اعمال  
آن شخص مسبوق باقیه بوده است مال مرحوم سلیمان ایزدی  
برادر اورا که در زمان کلاهبرداری کرده است مرحوم  
حاج محشم السلطنه آقای شیخ‌جعیت کرده بازو کر فتند

بمود چون محاکم دادگستری توجهی باین اموال  
نمایند و چون وزارت دادگستری نیغواه مأمورینه  
انتخاب بکنند که جلو فشار و تهدی را بگیرند ای  
است که زاندارم کوچکی هم که دریک دهی هست  
از موقعیت خودش سوء استفاده میکند و رفتاری برخلاف  
حق و عدالت نسبت به مردم مرتکب بشود یکی از  
آقایان نوشتہ است که تقاضای یکنهم مطابق تان را خلاص  
بکنید، بنده از اول سعیم این بوده است که مطالبه  
را خلاصه عرض کنم.

علت اینکه ما اینهمه شکایت و نارضایتی از محاکم دادگستری میشنویم برای این بوده است که در دستگاه قضائی ما یک دسته‌ای هستند متفق و متحده و کارهای بزرگ‌تر را بین خودشان قسمت میکنند خارج از محکم حل و فصل میکنند بمحکمه شوند و رفته می‌آورند و یک نا حقی را حق و خیرنا نا حق میکنند الان آقایان بسیار میشنوند که دعاوی ۱۵ ساله ، ۲۰ ساله ، ۳۰ ساله در محاکم دادگستری ایران زیاد است ، دعاوی هست که از موقع طرحش تا کنون ۱۵ سال میگذرد و هنوز اصحاب دعوا بلاتکلیف هستند یک عدیه‌ایکه بایستی حافظ جان و مال و ناموس مردم باشد نبایستی ۱۵ سال ، ۲۰ سال این دعاوی را بینظر را کد بگذارد و نهیا یا اینهاتا راجع باش سکوت بگذارد و چیزی نکویندا کرما یک عدیه صعبیحی داشتیم قضات شریف و یا کدام انسان مورد تشویق فرار میگرفتند

و اشخاص خاطی و غاصب و خطای کار مورد موآخذة  
قرار مسکر فتندو با آگهی باحکام که از محکمه انتظام

و زیر پردازشی، در برخندی نه از معملاً اسطامی  
صادر میشد ترتیب اثر داده میشد کسانی که یکی  
دودرجه از آنها محکومیت پیدا میکردند آنها را  
با ارتقاء رتبه بمقامات عالیتر نمیبردند (کشاورز مدرن)  
شهرخ در محکمه انتظامی بشش ماه انفصال محکوم  
شده است) و با اعمال نفوذ نمیشد این وضع ببشرور  
عجبی و غریبی که امروز در دادگستری خود نهانی  
میکند بوجود نیاز آمد تمام این بدغایتها و این بیچارگی  
ها برای این است که در دستگاه دادگستری  
عدالت و داد وجود ندارد و چقدر مرحوم ادیب  
المالک در آن قصیده معروفش خوب گفته : طلاق  
ورواق عدلیه را بر کند ستون آنکه فراشت  
سقف و سما را بلا عمدای کاش این کاخ عدلیه  
بهم فرو میریخت ولی حقوق این همه مظلوم و بی بناه  
درز بر ستون های عظیم سر بلکاش قلک کشیده بایمال نمیشد

و اینهمه بعدها ای و قانون شکنی انجام نمیگردید  
 ( آزاد - باید ملت فرو بربزد آن کاخ را ، نه خودش بربزد ) بنده بیش از این وقت مجلس را نمیگیرم فقط یک موضوع دیگر از آفای بوذری عرض میکنم و برا ایض خودخانه میدهم یکنفر وزیر یا یک نفر معاون وزارت دادگستری یا فرق نمیکند یکنفر دویس اداره هفلان حق ندارد در دعاوی بزرگ بعنوان حکم شر کت کنند ( صحیح است ) و ایشان در حکمت عیسی اف بایلک فردی که بنده ده تصور تش را دارم و در آینده بعرش آقایان میرسانم در آن حکمت شر کت گردد اند ( اسلامی - حکمیت ازد گز سعادی شان میدهم ) فرق نمیکند هر کس بگزیده بگزایی گردد است

سمت ایشان بعرض اعلیحضرت همایونی رسید  
و موشح شده است و عصر بر گشته است ا  
جمله مطالیست که بنده تصور میکنم در ظرف  
سه ساعت از محالات است جز این که فکر  
که ایشان بعض این که این سنگر را اشغال  
ازد بلا فاصله از لحظه این که از دادسرای  
خیالشان راحت شده باشد فوراً آمد آفای خست  
سوابق متند دوستی هم با ایشان دارند و  
که ایشان بخوزستان تشریف میبرند بمتنزل  
وارد میشنند ایشان را بدادستانی تهران انتخاب  
بنده روزی که آدمم یشت تریبون و راجع به  
و فشارها پکه بمطبوعات وارد میشد قبل از  
مطالبی بعرض رساندم عرض کردم که اگر  
توجهی نکنند و جلو مطبوعات را طبق قانون  
نگذارند و زبان انتقاد را بینند من دولت را  
خواهم کرد البته این عرايضی که بنده کر  
اظهار عقیده‌ای نبود که از طرف شخص بنده  
شده باشد بلکه مأموریتی بود که از طرف فرانسه  
وطن بن داده شده بود وقتی که تصمیم با  
گرفته شد فرانکسیون وطن مأموریت داد  
استیضاحی خود مرافقیم بگنم و بنده هم چون  
دستورات فرانکسیون هستم اطاعت کردم خلا  
خود بنده هم نسبت بعدم عدالت اجتماعی در

و فشارهای که بر مردم وارد میشدل خونه  
و هر روز شاهد نامهای زیاد و تلگرافهای  
از شهرستانها بودم که صدای مردم مظلوم ای  
پاسمان رسیده بود بنا بر این مبادرت  
کردم و از روزیکه استیضاح کردم من  
یشماری بین مراجمه میکردند و هر کسی  
خودش را میگفت ولی چون مطالب بندۀ یه  
اصلی و کلی بود نمیخواستم وارد جزئیات  
 بشوم و یک کارهای خینی کوچک را  
تریبون بسیع آفایان برسانم و وقت آفایان  
و تلف کنم من بطور کلی یک مطالبی ع  
دیروز صبح یکی از نویسنده‌گان تهران  
آفایان اکثریت دوستی دارد و از رفقای  
هم هست آمده بود و شکایت میکرد که  
روز قبل در لامیجان بودم چندین نفر  
بودندست بندۀ بودند آن شخصی هم  
بودندست بندۀ بودند آن شخصی هم

میکرد آقای ابوالفضل البویه است اند  
طاهری و آقای ملک مدنی میدانند  
آدم حرف مفت کوئی نیست در دلی داشت  
های آن جا و عدله آن جا و زاندا  
جا چگونه با مردم رفخار میکنند خلبی  
توجه کرده اند که شکایات زیادی از  
و از بعضی ادارات انتظامی میرسد بعده  
شکایات بواسطه اینست کدادگستری  
نمیکند اگر دادگستری انجام وظیفه بک  
نمیتواند بحقوق مردم تخطی بک  
زانداری تابع وزارت کشور است و  
وزارت کشور شد معاکم استثنائی ازت  
آن مثلاً افاده اعاده در معاکم عا

۶۶ لئے

میں از اعلام حکومت نظامی یاک اشخاصی را کہ  
وجون قانون علف با سبق نبیشود موقیع  
قتلہا و این جنایات واقع شدہ است حکومت  
نبودہ بایستی بمحاکم عادی برود و دیوان کر  
حکمی را کہ نقص کردا زا این لحاظ است کہ  
بے معکر، جنائی و مجدد رسمید کی شود و حکم  
برای کسی صادر نکردا است (فرامریزی۔ ص-  
و تجھ میکنم از شما کہ ہمیشہ مخالف با  
نظامی بوده اید) (مرا مریزی) - صحیح است  
شادورہ کذشتہ مقام بودید بے یاک چین  
بے اضاء برسانید کہ بایستی حکومت نظامی اخی  
ملقی کردد و این حرہ ای کہ بایستی برعلیہ  
ملکت بکار برود بایستی از دست آنها گر  
علیہ خارمین مملکت و افراد شریف مملکت بکار نز  
میکنم کہ چطور اذیان بنده برای شما سو  
ایجاد شدہ است من قصده ای از حملہ  
چرایتکار شدہ یانشہ نداشتہ و معتقدہ حکومت  
ہستم نہ بلشو یا قتل و غارت با حکومت ترو  
و جیہے ملی مواردہ در اعلامہ هائی کے  
در مصایبہ هائی کہ کردد است و در نظر  
در پارلمان کردد اندھی ہمیشہ بعکو  
تکیہ کردد اندھی استپناج بنده الان برای  
قاضی: در مملکت احرا نہیشود ما نمیگوئی  
دو شتری - تنفس چیست آقا، اجازہ بدھید  
کہ موافقت بفرمایند،  
کشاورز صدرو شو شتری - بنده مغلام  
لئیس - آنای دکتر بقائی توضیعی داری مسد  
دکتر بقائی  
کشاورز صدرو شو شتری - بنده مغلام  
لئیس - آنای دکتر بقائی توضیعی داری مسد  
دکتر بقائی  
کتباقائی - چون ناطق خستہ شدہ و فریب  
صحبت کردد است بنده ییشنہاد کردم کے  
تفہ تنفس دارہ شود از آنای شو شتری ہم خواہش  
کہ موافقت بفرمایند،

فانون در ممنوعت اجره میبندند — آقای متصحی است که مضرع سده امانت و دو ساعت  
بی قانونی مملکت را اداره کنید و برویه  
که میخواهید بکنید خیر یکی از آقایان  
دو یکی دو ماه قبل یک روز در یکی از  
ها ین گفت که راجع بطرز تصفیه اموال  
دادگاههای تهران من استادی جمع آور  
که آن را معمراً بشما خواهم داد که هر موقوفه  
شبکه‌گویید کدر محاکم و دادسرای تهران  
معاملات بزرگتر را انجام میدهنند و بیان کرد  
در یکی از این شبکه کار داشته فاضی محظی  
برو فلان آدم را که وکیل است انتخاب  
کارت حل شود و او هم رفته است همین که  
و دوازده هزار تومان بعنوان حق الوال  
سکر فته‌اند و بعد هم البته کارش تصفیه  
این طرز دادگستری را کاهه‌ای تهران است  
(آشتیانی زاده — فاضی را باید محاکم  
یکی از مواردی که بنده میخواستم

تمویض غیر قانونی آقای ریاضی دادستان  
البته تمویض دادستان باختیار وزیر کذاش  
ولی یک تشریفاتیهم دارد باین معنی که  
میگواهند یک دادستانی را عوض بکنند  
دادستان تهران را که با یک میلیون و ا  
سروکار دارد بایستی اول فهرست شر  
بکنند بعرض برسانند فرمان صادر شود  
را عوض بکنند. صحیع آفای بودزی و  
شدند (دکتر بقائی- بعماوات) بعماوات  
بودزی بوزارت انتخاب شدند بعد از  
خطو از عدای خوزستان بدارسای تو  
شدند من نهدانم چطورد ممکن است  
بسود بعداز تنفس آفایان حاضر باشند  
دراین موقع جلسه بعنوان تنفس ختم وش دفقة  
ن ۱۲ مانده جلسه مجددا برای است آقای رضا  
ت تشکیل گردیده  
**مکی** - آقای فرامرزی توجه کنید روی سخن  
است بنه ضمن بیان استبعاد نخواستم اظهار  
رفتی از واقعی لار کرده باشم (فرامرزی- بشکرم)  
موضوع را مطرح کردیده البته هیوان کشورهم  
بن حکم را نفس کرده باین هلت لغو کرده است  
بگوید موقفی که این وقایع اتفاق افتاده حکومت  
ی وجود نداشته و آنها آمده اند حکومت نظامی  
دان این وانعه برقرار کرده اند همانطوری که  
دان الام مدارد نظام ما حضور داشته اند و ایان

هم اگر اسرار اداری نباشد معاون بوده شنیده بیاید اینجا بگوید بگ ارید پرده از روی کارها برداشته شود بنده الان هم اگر یک کسی کار خوبی بگند تعریف میکنم اما راجع بخراسان اگر اجازه میفرماید بگویم (همه نمایندگان - خیر) خیر حالا لازم نیست بگوئید اجازه بدید تا بگویم (بعضی از نمایندگان - نه، نه) من یکروز قبل از دستور اسم مبنویسم و پرده خراسان را بالا میزنم

### ۳ - موقع و دستور جلسه آینده - ختم جلسه

رئیس - یشنهداری رسیده است که جلسه ختم شود قرائت میشود (شرح زیر یشنهداد آقای نبوی، قرائت شد) یشنهداد میکنم جواب آقای وزیر دادکستری بجلسه بعد میکول و جلسه ختم شود

رئیس - جلسه آینده اسم نویسی بشود اول جلسه صحبت کنید، جلسه آینده روز یکشنبه ساعت ۹ صبح

(۴۵ دقیقه بعد از ظهر جلسه ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - رضا حکمت

مربوط بهاده ۹۰ نیست کشاورز صدر - . . . میدانم راجع به

هیمن موضوع این مطلبی را که فرمودند آمدند

دستور دادند من عقبه دارم که آقا را مطلع کنم

آن مطلبی که فرمودند راجع بآن شکر و معامله

با انگلیس هادر وزارت دارای درآنجا هم کمیسیون

بوده است آقای بودزی یا اینجا بگو تو معاون

بودی و اطلاع داری یا اینجا بگویی کمیسیونی

بود در وزارت دادکستری که دکتر سجادی و

لطفى و سه تا از قضات عدله را عرض کردند تا

قرار مجرمیت بدهند برای اینکه آمریکائیها گفتند

ما شکر ارزانتر میفروشیم، انگلیسها گفتند گرانتر

ما یک قراردادی داریم که اگر هر جا ارزانتر داد

از آنجا بخریم برای اینکه ما مجبور باشیم که از

انگلیس گرانتر بخریم دکتر سجادی این دویه را

درست کرد و آقای لطفی و دیگران هم توی اطاق

او بودند مستنبط را خواستند بامدعی اصول ناقرار

مجرمیت بدهند، جنابعالی هم تعقب کنید شاید آقای بودزی

نسبت بایشان صبیغت دارم تعریفی بگنمندای نکرده

اگر یک اتفاقی بیینم اول کسی که انتقاد بگند

من خودم خواهم بود (یکی از نمایندگان - آقای

ملک منعرف نمیشود)

لطفى عاجز و مسکین هر چه ظالم و بد خواه

ظالم و بد خواه هر چه عاجز و مسکین

این آدم اینجور است من از جناب عالی توقع داشتم

جناب آقای مکی وقتی میآیند از نواقص دادکستری

مطالی میکوئید بلطفی اعتراض کنید که آقا

تو اطاق رئیس استیناف که می نشستی چرا

قضات را میخواستی دستور بایشان میدادی

بودزی که نه میکوید و نه کسی بعرفش گوش

میدهد (خنده شدید نمایندگان) نه جان شما کی

ازش حساب میرد؟ اما اشاره دیگر فرمودند عرض

کنم من در اینجا خیلی خوشقت شدم که آقای

مکی فرمودند که احکام محکمه انتظامی باید طابق

العل بالتعل اجرا شود خواستم عرض کنم . . .

رئیس - آقای کشاورز صدر این دیگر